مقايسه‌ای تاریخی در تحول عقل گراي و انسان‌گرايی در شرق و غرب

فرهنگ ارشاد

مقاله حاضر مطالعه‌ای در زمینه جامعه‌سازی تاریخی و گروه‌سازی فرهنگی است. هدف اصلی این تحقیق مقایسه‌دو دوره تحول فرهنگی در شرق و غرب است که به فاصله زمانی حدود هفت فرین از یکدیگر روی داده‌اند. در شرق در سده سوم و جهان هر استقلال فرنگی و دهم (میلادی)، انقلاب فرهنگی قبل توجهی روی داده که پیشرفتی کسی هدایت و تجربه عمیق جوامع شرقی در پی داشت. در تحلیل دیگر، مردم اروپای غربی از این زمان به‌یاد می‌آید. نتایج نشان می‌دهد که پیشرفتی هر دو دانه به رسانه‌های قدرتمندی یا دانش‌ها و نشان‌هایی بین این دو تحول فرهنگی وجود دارد. مهم‌ترین شامل‌ها اینه که هر بخش نظری زمینه‌های فکری انسان‌گراوی و عقل گراوی بوده است. از سوی دیگر، در شرق دخالت منفی‌های زمانی و مکانی، برخی نظرات‌های نسبی در محوری این دو تحول وجود داشته است. براساس این شاهد، می‌توان این فرض را مطرح کرد که وقوع تحولات فرهنگی (در مکانها و زمان‌های مختلف) باید تبع قانون‌های کلی باشد. که نظرات‌های جانی این زمان از شرایط منفی‌های زمانی و مکانی است. نکته قابل توجه اینکه در تحول مزبور، که در شرایط تاریخی و اجتماعی منفی‌ها روا دارد، روابط تاریخی قابل مطالعه‌ای با یکدیگر دارند که این روابط با امروز ادامه داشته است. اما این زمینه‌ها مشترک و روابط تاریخی و اجتماعی و نیز تبعیت تحولات فرهنگی از قواعد مشترک مفروض نمی‌تواند به نوعی وحدت نسبی فرهنگی در جهان در فرین بیان و یک‌دستی شود؟
مقدمه

shawad تاریخی گواهی می‌دهد که در هر دورانی که فشار استیاد و خودکامگی کاهش یافته زمینه آزاداندیشی و نشر اندیشه‌هایی مختلف فراهم گردد است. و چنانچه این جریان با تعامل فرهنگ‌ها همراه باشد، رشد فکری مضاعف شده و به دنبال آن بیش از انگاریگری و خردبازی

نوشتارهای علمی، نظری و دانش دانش‌العلوم را به دنبال داشته باشد. این موضوع در یک مطالعه تطبیقی و در ویژه مهم جامعه بشری را به فکری داشته و در سپاه قرن میلادی سیر و نشیب که بررسی‌هایی زبانی علمی مناسبی در برآورد

در سده‌های چهارم و هفتم فقید، همراه با تحقیق شیعیون مناسب سیاسی-اقتصادی انجام می‌رسد. هرگونه قابل توجهی در شرق سیاسی، به‌وکیه روش علم و ادب، همانندی سیاسی با رنسانس اقتصادی دارد (دوران، 1371:30). در مقاله حاضر می‌خواهیم نشان دهیم که به دلیل ماهیت تحولات فرهنگی شده‌است. عده‌ای این دانشکده این دانشکده این دانشکده این دانشکده که منابع علمی و نظری دانشکده را فراهم می‌کند. یکی از شاهدی این تحولات فرهنگی در جهان تابع مجموعه‌ای از تشریف کامپیوتر یکسان می‌باشد: نا باید که پایان بپذیرد که اگر برخی از فرهنگ‌های (اقتصادی سیاسی) مانند برای پایان فرهنگ‌ها ایجاد تکنولوژی و مکان است نویس و وحدت فرهنگی در جهان که در پایان بی‌درد. این
کوشش‌ها شامل فعالیت‌های علمی در زمینه نجوم، پژوهشی، داوروشناسی و نیز ترجمه کتاب‌هایی از منابع کریستین، بوتانی و روان‌پزشکی بود. اما در فارسی، تطبیق و تجربه‌های دربار و جنگ‌های مکرر ساسانیان با امپراتوری روم که هزینه آن‌ها به دست مردم ایران تحمیل می‌شد، منجر به انحطاط سیاسی و فقر جامعه ایرانی شد. ولی اگرچه ایران همچنان به سرتاسری حکومت و حمله معنی‌داری به سمت سلطه سیاسی

اسلامی، دوران استبداد و تجربه‌های مردمی و قیام اصولی در این میان سهم عمده‌ای داشتند. این احساس در مردم ایران ایجاد شد که می‌توانند در جهت جبران حزق‌الله و سرکوبی‌ها که از دستگاه خلافت دیده‌اند، کاملاً مستقل باشند.

ولی نتوانست این انگیزه را اعمال کند. از این رو، رفته‌رفته فرهنگی که کاملاً در گوش و دانش جامعه ایران مانند بود سپس‌زده در خراسان یک‌هجیری‌که از نظر جغرافیایی دور از کانون خلافت بود و شرایط مناسب‌تری داشت، شروع به رویش و رشد کرد. این پس کوشش‌های علمی مالک‌گری نادر از این دور از دوباره می‌کرد. روش‌گری متعارف است. رنسانس بر کشور فرهنگی به این دلیل حادثه جنین و امغاغی بود که بازگشایی بود. در مسیر پژوهش‌های علمی و فکری، از کشور خارج و در قبال خود رسیده بود که به عصر روش‌گری معروف است. رنسانس با نوآوری فرهنگی به این دلیل حادثه جنین و امغاغی بود که بازگشایی بود. در دوران خرس بازی، پیوسته و در دوباره می‌کرد. این پس کشور فرهنگی به این دلیل حادثه جنین و امغاغی بود که بازگشایی بود.

در اروپا نیز رنسانس هم‌چنان در دوران در خشکانی از نوآوری فرهنگی است که ریشه‌های این رستاخیز به فرتن 14 میلانی در ایتالیا سفلورانس-می‌رسد. این جریان در اواخر قرن 14 و 15 آغاز شد و درون رشته علمی و نوآوری‌های فنی و فکری در سده 18 به اوج خود رسید که به عصر روش‌گری معروف است. رنسانس با نوآوری فرهنگی به این دلیل حادثه جنین و امغاغی بود که بازگشایی بود. در دوران خرس بازی، پیوسته و در دوباره می‌کرد. این پس کشور فرهنگی به این دلیل حادثه جنین و امغاغی بود که بازگشایی بود.

هزار ساله خشکانی از قرون میانه، که به دوران استکل‌سازی مشاهده است، محترس خروی‌ها را از دست داد و به انحطاط گرفت. در سه مرور این قرن و سپس هیچ‌گاه از چنان میراث فرهنگی به ندیم‌دار نبهادند. لیونارد برونو، کشیش انسان‌گرای بی‌سابقه، سه بامیا بنا نمود که تأکید می‌گردد: «من احساس می‌کنم که بازگشت این قرن به درون سیستم‌ها و مسیرهای به عنوان...»
مقایسه‌ای تاریخی در تحلیل علل‌گرایی...
تعداد بشری یافته می‌شود. بایستی به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌مدیری به‌م
افرادی مانند ناصرخسرو قیاسی و به‌ویژه ابوبکر محمد فارابی از پیشکسوتان عقل‌گرا به‌وقت است، مناظر آن‌ها در گذشته و در مقطع رنسانس و پس از آن، افرادی مانند دکترک، وقتی بسیار و سپس ماکس ویر در تحول عقل‌گرایی شهرت زیادی دارند. هنگامی که تشریح فارابی از قوای انسانی را مطالعه می‌کنیم، شیوه‌هایی بین تفسیرهای او و ماکس ویر می‌باشد. فارابی در کتاب منطقه‌های انسان، قوای انسان را (که به گفته خود او، علیه ترین موجود عالم است) به دو دسته کلی قوا مطرح و قوا مدرک تفسیر نموده و در دسته دوم به تفسیر عقل عمیق و نظری (یا تفسیرات آن: عقل هیپوکاردیا، عقل دوقاعل، و عقل درجه اول، عقل مختلف) می‌پردازد. از مجموع تفسیرات فارابی در اجزاء قوا محرک و مدرک (به‌صورت قوا همیشه، توزیع، غصب، و سپس قوا جسمانی) می‌توانند در توصیف قوا حساس باشند. در نهایت قوة تأثیر ناپایداری (تخک) چنان به شکلی که تفسیرات‌های سه کتاب انسانی نیست، که به صورت کست کشیده و رفتار با یک عقل‌گرا معنوی به هدف در سبک فلسفه‌شناسی تفهیم‌آمیز از او و در برخورد با است زیرا وارد بالاترین درجه عقل‌گرایی است (فروندنی).

پیش‌بینی است تحلیل این دو صاحب خور پیمان‌آمیزی متقارن از شرایط تاریخی اجتماعی متقابل آن‌ها است. فارابی در دنبالی زندگی می‌کند که در مقایسه با ماکس ویر، روابط طبیعی نظام زمین‌داری فلسفه‌ای را ارائه می‌دهد. اینگونه هر فلسفه‌پرداز، به‌عنوان یک فلسفه‌پرداز انسانی، بازرسی خود را به‌عنوان مستند کننده (خوشنویسی) در حال که ماکس ویر در دورانی زندگی می‌کند که در پی‌چرخه انسانی، نظام سرماخواری و جنگ‌خواری یا مدرنترین است عقل‌گرایی را یکبار تعریف کرده است. عقل‌گرایی را به ورودی تعریف کرده است. با توجه به تفسیرهای انسانی، که به دو دسته قوا عمیق و قوا معنوی تقسیم می‌شوند. از حرف‌هایی که می‌توان به صورت کشیده و رفتار با یک عقل‌گرا معنوی به هدف در سبک فلسفه‌شناسی تفهیم‌آمیز از او و در برخورد با است زیرا وارد بالاترین درجه عقل‌گرایی است (فروندنی).

پیش‌بینی است تحلیل این دو صاحب خور پیمان‌آمیزی متقارن از شرایط تاریخی اجتماعی متقابل آن‌ها است. فارابی در دنبالی زندگی می‌کند که در مقایسه با ماکس ویر، روابط طبیعی نظام زمین‌داری فلسفه‌ای را ارائه می‌دهد. اینگونه هر فلسفه‌پرداز، به‌عنوان یک فلسفه‌پرداز انسانی، بازرسی خود را به‌عنوان مستند کننده (خوشنویسی) در حال که ماکس ویر در دورانی زندگی می‌کند که در پی‌چرخه انسانی، نظام سرماخواری و جنگ‌خواری یا مدرنترین است عقل‌گرایی را یکبار تعریف کرده است. عقل‌گرایی را به ورودی تعریف کرده است. با توجه به تفسیرهای انسانی، که به دو دسته قوا عمیق و قوا معنوی تقسیم می‌شوند. از حرف‌هایی که می‌توان به صورت کشیده و رفتار با یک عقل‌گرا معنوی به هدف در سبک فلسفه‌شناسی تفهیم‌آمیز از او و در برخورد با است زیرا وارد بالاترین درجه عقل‌گرایی است (فروندنی).
شیوه‌ها و تفاوت‌های بین دو ریبد

شیوه‌ها

چنان‌که در آغاز اشاره شد، از جمله شیوه‌های عمده بین این دو تحلیل فرهنگی در شرق و غرب، اوج گیری فکر انسان‌گرایی و عقل‌گرایی بوده است. بدین‌ویژه که در پرونده‌ای به نسبت به اصلاح انسان و خریدوری زمین استقلال فکری و رشد معرفت و علم فراهم می‌گردد، که این وضعیت درخشان در شرق در سده‌های سوم و چهارم هجری و در غرب در قرن‌های

1. Peter winch 2. H.G. Gadamer

152
شانزدهم ناهمچنده تحقیق یافته، پژوهشگران ایرانی و سایر شرق آسیا نشان داده‌اند که این اندیشیدگان به توجه به چهارمی را در بر برمی‌گیرند. چنانچه باید به این مسئله با توجه به نتایج آن باشیم. این شکفته این پرسشن را مطرح می‌کند که این همه اندیشیدگان و ناسیون‌های یکسان به چهارمی بروند؟ (فرشاد، 1357 ج1: 21) حکم ایالاتی فرودسی (1369) ق.ق. تقریباً شاعر برجسته‌ترین.

چهارم، شاهنامه‌ها با ستایش خدان‌نام و خداً آغاز می‌کند. در همان ایوان سه‌آرمانی شاهنامه مروع معروف «دان به دان بوده» را می‌ساید. این گفته اندیشیدگان فرودسی همخوانی و شیوه پرداختن قابل توجهی با جمله قضاوت معروف فرانتس بیکن (1444-1516) انگلیسی‌دان که در اعلام نامه ارمنی‌تبار اثبات. همچنین در شاهنامه شخصی برتری فرهنگی به نام فرستم، ابومر سیستمی که دارای بیماری از خصوصیات انسانی است. نماد بارزی از تفکر اندیشیدگان فرودسی بود. چنانچه فرودسی از بیان سرمای و زال می‌گوید، رستم هنگام زاده شدن بیماری از صفات عالی انسان از قبیل خردوزی، تدبیر و رأی، فرهنگ، شجاعت و آزادگی را به‌ویژه با توجه به پیدا چنین ویژگی و چندین سرود دارد. از جهت رشته فلسفه عقل‌گرایی، می‌توان به‌طور خلاصه از افرادی نامی کرد: ناصر خسرو، قطب‌الدوله، و جامع پیامداز. این می‌تواند به‌عنوان عقلیه و مشابه، در کتاب‌های این‌ها اهل مذهب فارسی، به‌طور خودی در دیدگاه‌های فقیه و حقیقت، اغلب باعث جنبشی تجدید و تحقیق می‌گردد که راه‌های از کالیفرنیا مسالمان با نمی‌پذیرد (نصری، 1357: 49). ناصر خسرو قبادی‌نایی، فیلسوف و شاعر ایرانی، که در دیمی‌دام مورد بحث درباره ایالات انسان و عقل‌گرایی گفته می‌کند. به نظر انصار، انسان به جهان از هر چیز تمام‌تر است و درست به همین سبب در میان چهارمی بیان، اصل و غایت آفرینش است (مسکوب، 1372). از میان آفرینگان، انسان به همراه افرادی دوباره است. برای کار از همه به چنین مناظره است. همچنین باید توجه مصرف آفرینگان، (انسان) آسان‌سازی را می‌گذارد و کسی بر درباره می‌رانند. به یاد آتش آفرینه‌ها، این می‌باشد و سنگ خانه و آگه هم به‌ویژه بی‌توجهی، برای آفرینگان است (قبادی‌نایی، 1369: 177). ناصر خسرو در جامع الحکیم‌اند در بحث از مثال و برخود انسان از سه مرحله: هیچ‌یک، نفس و عقل.
گفت وگو: می‌کنیم (قیامی‌نی، ۱۳۸۴: ۱۲۹ و مسکور، ۱۳۷۱: ۱۱۲). هنگامی که تحلیل‌ناصر خسرو از این مراحل سگاوان را مرور می‌کنیم، ذهن ما به سوی هکل و مراحل دیالکتیکی از عقل کشیده‌ی می‌شود. همچنین در رساله‌ای اخوان/الصفاء که در همین دوران و به تبعیز از شیوه تفکر فیلسفی تدوین شده، اندیشه‌ای نتیجه‌گیری و خودپارسی موجب می‌شود (عئینات، ۱۳۷۷: ۶۷ و ۷۵). اثره‌ی می‌کنیم که نشان می‌دهد مجموع خصوصی اخوان/الصفاء و بین‌آنها و اقدام جهت تهیه رساله معرف خود، همانندی عجیبی با اصحاب دارای‌العفاف عرفانیه‌ی فراغت

در اروپا نیز رنسانس، دوران توزایی اندیشه‌ای صلحت انسان و عقل‌گرایی است. جنبش رنسانس در مرزهای یا جهان بین قرون وسطایی به‌طور بین‌النهرین نتیجه‌ی از عظیم و آزادی ارائه‌ی انسان‌طوفاری می‌کند. اگر انسان از رنگ‌پرستی در عالی‌ترین تجسم، اشتیاق ایجاد یک عصر طلایی را فراموش کرد، به دلیل آن است که به استقبال از ارسطو پی‌روی و چراً انسانی می‌رفت که در سده‌های میانی به فراموشی و کریزی پینارده‌ی این روند به این ترتیب، انسان در خود صفت برگ خداوندی را پایانی شناسد، که آن قدرت آفرینشی است. و برگ‌ترین مظهر آفرینشی او خود انسان است، با اصل ترین جنبه‌های آن (۵، مصارف پرایتانیک، ۱۳۷۷: ۱۱۲). برخی‌العمل مفکران سده‌های میانی و آبی کلسیس کانونیک (دوران اسکولاستیک)، که انسان را دانست، اگاهی و خطیبی، می‌دانست. پروپت‌دار جنبش رنسانس انسان را واجد کمال اهمیت بازنشانی می‌نمود: مسعودی، ۱۳۲۵: ۹۱. در این مقاله کوتاهی فرض آن نیست که درباره رنسانس و فرانک‌گریزو و تقویت آن اندیشه‌ای فرانک‌گریزو را در غرب به نفع گفتمگوی سود (پرای نمونه، مراجعه کنید به تاریخ تعداد ویل دیوان، چند ببین). فقط در اینجا بطور خلاصه اشاره می‌کنیم که فرانسیس بیکن فیلسوف تجربی گرایی نگر، اگلیسی پس از گالیلی بیشتر از تجربه علمی و استدلال استقرای طرفداری می‌کند و رنه دکارت (۱۵۶۶-۱۶۵۰) فیلسوف عقل‌گرایی انسانی که به عقل و تجربه آمیخته نهو، اظهارولگی یافت (۱۷۲۴-۱۶۴۲) می‌خواهد بین عقل و تجربه آشیان داده و نظریه واحدها درباره پالن‌گری دانش بشر ارائه دهد (بیننی، ۱۳۷۷: ۱۰۷)

بعضی تفاوت‌ها

دانستیم که علاآه بر همانندی‌های بنیادی، بنی‌دسته‌ی عمده تحلیل فرهنگی در شرق و غرب، جنبه‌های متفاوتی هم بیان می‌کنند و بیان‌دهندی، بین این دو روند تاریخی وجود دارد.
مقايسه‌ای تاریخی در تحول عقل‌گرایی و...
بسیار عویق‌تر و گستردتری در اندیشه علمی، فلسفی و هنری بر جای گذاشته‌اند.

3. در اثر متغیرهای زمان و مکان (شماره‌ی تاریخی - اجتماعی)، محترم و محدوده مقولة

انسان آزاد و با اراده (عصره انسان‌گرایی)، در این ورود تغییرات متفاوت بود. در این سده,
سوم و چهارم هجری قمری، آزادی، محدوده‌ی اخلاقی و نظری داشت، و در نهایت امر و گزارشی
را تا زمان‌های ما امکان آورده که از اروپا در مسیر شکل‌گیری «جامعه‌ی مدینی» و دموکراسی و لیبرالیسم توسیع
پیان. به طوری که در اروپا مقوله آزادی ابتدایی متفاوت، مانند آزادی سیاسی، آزادی بیان و
آزادی اقتصادی، بی‌اثر می‌کرد.

4. انسان‌گرایی و عقل‌گرایی در شرق با جهت‌گیری مذهبی و منافع‌گرایی همراه بود. اصل
عمده در اندیشه‌ی فلسفی لغایت طریف این باور بود که عقلانیت یکی از اهداف خدایان در آفرینش انسان
بود (فیلی‌دی‌ی). اما در اروپا برای به چالش کشیدن ساختار عقلانیت در طول دوره.
فلسفه‌ی غربی در مسیرهای شانزدهم و هفدهم میلادی ناجار بودند. نیز را که بین که خراب آن می‌کنند
(فکر اسکولاستیک قرون وسطی). پژوهش در جای آن سازند که برای اهل علم و اندیشه
قانون‌نگارانه بیان‌گر می‌شوند. از اینرو، برای اینکه در عوان
معرفت انسان دو جانشین یافته که عقل و ترجیح بود. در این مسیر بود که عقلبه دنیا ترجیح
رای سکولاریسم را پیش‌گرفت.

خلاصه و تنبیه گیری

چنین انسان‌گرایی و عقل‌گرایی، چه در شرق و چه در غرب، شرایط مناسبی را برای
پیشرفت عقلانیت و داشت شری فرآیند کرد. اما به دلایلی چنین، هر دو مقوله به‌ویژه عقل‌گرایی در
معرض وقوع و تقد عقیده قرار گرفته است. عقل‌گرایی در شرق همراه با نوسان‌های تحلیل نظام
فیلوسای-فارابی-ریتی-متحول شد. در آواز سده پنجم (499 هجری قمری) نظام طبیعی
سنجیدی بر پیش عمد، از منطقه شرق تسلیم یافته و شرایطی به‌وجود آمد که منجر به
استناد عقل‌گرایی شد. موضوعات افکاری سنجیدی، مفاهیم‌های محدوده اندیشه و
سازگاری‌های مالazorان آن پیش شکوه‌های گسترشی جامعه و عقلانیت سیاسی توطئه‌گری
انجامید. اگر کشورهای سنجیدی مدت طولانی‌فرن در ایران و مناطق همسایه سلطه خود را حفظ
کرد و نوعی نتایج بسیار داشت، اما در این شرایط اجتماعی و اقتصادی مواجه با بی‌باید و عدم
امنیت بود، و این شرایط فرآیند ها پس از سنجیدی پایان داد. به این ترتیب، سپس از منفعت
ایران و اندیشمندان مناطق همسایه که تحت تأثیر این شرایط بودند راه صورت‌گیری و رهایی
را در پیش گرفتند.
مقايسه‌ای تاریخی در تحول عقلگرایی و...

اما در غرب، تحت سلطة نظام سرمایه‌داری، عقلگرایی در مسیر سکولاریسم توسه‌ی یافته و عقلگرایی عملی گرایه‌ای فردگرایی و ابزارگرایی و سودگرایی را تقویت کرده. این روند استحالة عقلگرایی را سببی‌ی از انگلیسی‌زبان اروپاییهای دیگر به‌نفع عقلگرایی‌یه‌ایهای مختلفه است. پس از ماه‌ها برای نمونه شاید تازه‌ترین مبنا به این اختبار نوسنده مقاله قرار گرفته است سپس نقد عقلگرایی از دیدگاه نظریه مبادله و مکتب‌کارکرده با خیال و از عقلگرایی در زمره‌های مختلفه، به‌ویژه گفتگوی واقعی مشترکه به شکل‌های مختلفه همانگونه که ابزار تابع عقلگرایی عقلگرایی است، اهداف نیز تابع هستند. است که کافی همان‌گونه است که رفنگی و رضایت‌های ضروری آن نیست که در جهت سودگرایی باشد (زفیروفسکی، 1999: 232). و لازم است از زاویه‌های دیگری به نقد پرداخته و بر تعارض عقلگرایی معاصر اشاره دارد: بایست استدلال عقلگرایی از طریق در نتیجه آن تجربه است. عقلانتی هممچنین

شمارشیری‌ی دو دو ممانه است. از یک سو به افراد انگلیسی مکسیک می‌گوید تا بر اعمال خوب‌یک کنترل بیشتری داشته باشند. چنانکه می‌دانیم پیش توانایی عقلگرایی می‌تواند در هدف‌گیری اثر مؤثر اتفاق و بنابراین تغییری که در آنت‌اج هدف و هدف‌گیری عقل برای افراد عقلگرایی می‌تواند تلقی می‌آید قبلی یا کشوری دهم. اما از سوی دیگر، با توجه به محدودیت که فرد بر طبیعت را در برگرفته (بی‌بی‌سی ساختار سازمانی) مکس است تحلیل‌های عقلگرایی دانش‌گرایی فرد را محدود کنند. با این که مکس است برخی افراد را می‌توانند را به هدف‌گیری برکناری از یا گیرد. و حتی مکس است برخی کرج یک‌گان می‌توانند را به تأمین کرد یا به آندری آموزش‌یافت. بنابراین معمولاً عقلانتی

دانا با یک‌گان ناسازگار بوده و ناکافی را در آن نهادی می‌کند (باوم: 1990).

این تعاریف‌ها و نقده‌ها اساساً ناشی از شکاف عمیقی است که بین جهان‌های دینی و عقیده، محتوای انسان‌گرایی و عقلگرایی، از یک سو، و پیامدهای عمیقی و عقیده عقلگرایی، از سوی دیگر، وجود دارد. از یک یا دو بحث درنگی کننده‌ای که نرسیده است. برای یک پایانی این که بررسی شایسته و پیامدهای از روی بحث عقیده در تاریخ نیست. اما می‌توان نتیجه گرفت که تحول‌های فرهنگی به‌طور کلی و در نهایت تاریخ یک قاعدة نسبتاً مشترک است؟ آیا جهان در این‌های معین بی‌سی وحشت فرهنگی کشیده‌ی می‌شود؟ چنان چه خوشی‌یهای قضاوت کننده، شاید بتوان به‌چنین پرسش‌ها پاسخ مثبت‌داد. بی‌ویژه این که با گسترش شک‌های اطلاع‌رسانی‌سازی و تکنولوژی‌های جدید و تکنولوژی‌های جدید، این وحدت بالقوه فراهم شده است. در این صورت ممکن است جهان به‌سیوی وحدت فرهنگی بر محمل

157
نوعی منطق عقلایی چندبعدی، که ریشه در هری نشینی به‌شیرت (انسان حقیقی) دارد، کشیده شود. اما اگر واقعیت‌های نگری، به‌طوری‌یکی باوجود، سالاری کهنی جهانی شدن به سوی افکت از وحدت فرهنگی به پیش می‌رود، به‌طوری‌که ممکن است جهانی شدن به‌جای وحدت فرهنگی به فرسایش فرهنگ‌های محلی نتیجه‌انجام (پایان، ۱۳۷۶). اما شاید هنوز گفته‌های هنرمندان قابل توجه باشد که جهانی شدن امر طریقی در جهت جهانی شدن اقتصادی است و نظم نوین جهانی با نظام جهانی اصولاً ابزاری در خدمت این جنبه جهانی شدن است. به عقیده وی، اقتصاد و نظام ابزاری قدرت این داده که به ترک مفصل شود. ولی این جهانی شدن نیازمند است. جهان سلطه نظام اقتصادی جهانی شدن در خلاف صورت نمی‌گیرد، بلکه در «بست‌جهان» مورد صورت می‌گردد. مورد همواره در مقابل قدرت ایستادگی می‌کند. یعنی جهانی شدن، که به خودی خود خود موضوع تازه‌ای نیست، در یک منطق دیپلمتیک ایران دارد و عمل قدرت همواره با موازین فرهنگی در مقابله قرار می‌گیرد و جهانی شدن واقعی تلفیقی از تقابل این دو جریان خواهد بود (هاروماس، ۱۳۸۴:۱۰۳-۱۱۸۴).}

منابع
آرمان، ت. و. غیبرن، آ. (بی‌با). میراث اسلام با آنچه مغرب به محل اسلام می‌سپرده است. ترجمه مصطفی علم، ی. ج. شیراز.
ارشاد، فرهنگ (۱۳۷۶). «بحث در نظام سیاسی طبقه‌ای در تاریخ تحول اجتماعی ایران». مجله علمی-عملی، شماره ۷۷، ص ۱۱۴-۱۲۶.
پورشهای تاریخی، شماره‌های ۵، ۱۵، ۲۵ و ۳۵. خوش، ۱۳۷۶-۱۳۸۲. مجله سیاسی، شماره ۳۷، ص ۴۵-۵۱.
خوش، غلامرضا (۱۳۸۲). شناخت ارزش انتخاب اجتماعی از دیدگاه نوری و بیردری اصلاحات اطلاعات. دروان، ۱۳۸۲. تاریخ آغاز، جلد چهارم، عصر اسلام، خیل اول، ترجمه ابطال صارمی و دیگران، ایران: انتشارات و آموزش اقلاب اسلامی، جامب سوم، روح الهی، دکتر محمود (۱۳۷۶). مقدمه فرهنگ‌شناسی نزدیک انتشارات عطار. سارون، جرج (۱۳۵۵). تاریخ علم، ترجمه ملکی، ایران: انتشارات اسلامی، مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره‌های ۱۳۸ و ۱۳۹.
غلامی، حمید (۱۳۷۶). یک شیطان سیاسی-اقتصادی اخوان اکلیف: یک جنبه روشنایی ایرانی، در اسناد فرهنگ اسلامی، مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره‌های ۱۳۸ و ۱۳۹.
کوکونتس، دکتر عبدالحسین نیک‌کرده، تهران: نشر نیک‌کرده. قیادتی، آقای خسرو (۱۳۵۳). جامعه‌شناسی، ترجمه طاهری کریم و محمد معین، تهران: نسیم، ایران و فرانسه.
کتابی، بان (1382)، نظریه اجتماعی کلاسیک، مقدماتی و جدیده مارکس، ویر، دورکیم، زیزل، ترجمه شهار مسی، پرست، تهران: نشر آگه کوزر و روزنبرگ (1378)، نظریه‌های بی‌نیای جامعه‌شناسی، ترجمه فرهنگ آرشاد، تهران: نشر تی، صص 27-26.

لیج، امروزه (1358)، انسانشناسی، ترجمه دکتر حمید عنايت، تهران: انتشارات خوارزمی.

مسکوب، شاهیخ (1371)، جنبش‌گرایی فرهنگ ایران، انتشارات چشم و چراغ.

مصاحبه، غلامحسین (1345)، دایره المعارف تاریخی، جلد اول.


فرهنگ ارشاد، عضو هیئت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز است. از ایشان کتاب‌های متعددی نظر: مهارت تاریخی ایرانیان به هدای (تأثیر)، مهارت هزینه و توسعه (ترجمه)، نظریه‌های نیاید جامعه‌شناسی (ترجمه)، کتاب در می‌غیره (ترجمه)، نظریه پراز و قلابی (ترجمه) و مقالات متعددی در مجلات داخلی و خارجی به چاپ رسیده است. علاوه بر آن، تحقیق‌های ایشان در زمینه جامعه‌شناسی ادبیات، جامعه‌شناسی ادبیات، و نظریه‌ها و نظریه‌های جامعه‌شناسی نیوپاود است. ایشان در حال حاضر مشغول ترجمه کتاب بنیادت‌هایی در نظریه‌های اجتماعی معاصر (تأثیر ترنر و الیوت) است.